

سخت جانی استبداد زدگی ما :

برخورد های تارنمایی و چهره نما و جامعه استبداد زده و تحصیل کرده های عاج نشین اش :
چرا افراد جامعه استبداد زده از سوال می ترسند؟

در مدت چند سالی که در شبکه تارنما و چهره نما طرز برخورد استبدادی یک عده دوستان و تحصیل کرده ها کشور ما را نا مناسب یافته ام. و نظر به استبداد زدگی نقد بجای اش که حتا از سوال نمودن می ترسند، که در بحث و موضوعی از جا در رفته و از احساسات کار می گیرند و یا به جای پرداختن به موضوع و دلایل خود را نوشتن به تعرض شخصی می پردازند. و به آسانی به اتهام زنی و دروغ گوئی می پردازند، که هم دوستی از خود میرنجانند و هم باعث ناراحتی و تاثیرات منفی در خود می شوند .

در تارنما های افغانها مسولین صفحه معلوم نیست و هر وقت که خواستند مستبدانه عمل نموده و بسیار کار های ناشایست خود را هم منکر می شوند به تارنما های ذیل مراجعه نماید چرا اینها از انتشار نام مسولان طرفه می روند .

خراسان زمین، افغان جرمن آنلاین، فردا (farda.org)، شبکه اطلاع رسانی افغانستان (afghanpaper.com)، خبرگزاری پامیر (pamirpress.net) و حتا تارنما های مشهور داخل کشور چون ۸ صبح هم خبری از نوشتن سر دبیر، مدیر مسؤل، هیئت تحریر و... خبری نیست. و وقتی که یک نوشته را از طریق برای شان می فرستی جوابی نمیدهند که نوشته را گرفته اند و چاپ نمی کنند و اگر بار دیگر به تماس شوید. منکر دریافت نوشته قبلی می شوند و یا باز جواب نمیدهند. در حالیکه آن زمان سابق و نامه های عادی نیست. که منکر شد. و نقل، نشانی تماس شان و تمام توضیح اش در آن نامه فرستنده موجود است .

در صفحات چهره نما اکثرن وضع به مراتب بدتر میباشد، وقتی که سوال و یا نقد و نظری سوای طرز دید خود صفحه مطرح می شود. با برخورد استبدادی به خود شخص حمله می کنند در نهایت از حذف کار می گیرند. به عوض اینکه استدلال بپردازند و به جنگ ایده ها بروند به جنگ شخصی می پردازند. و نقص دیگر از خود چهره نما است که در آن بعضی قسمت ها صرف اجازه پسندیدن و نقل کردن را می دهد. که این خود به توصیف رخ دیگر استبداد کمک نموده و منجر به تشدید استبداد زدگی و خودشیفتگی میشود. مطرح کردن سوال چون یک عمل نامانوس و زشت می نماید. چون در جامعه استبداد زده معمول نبوده و سبب روشن شدن موضوع و یا حتا سبب نمایاندن نکات ضعف خود شان و بیداری نشود. و اینها با استعمار همگام شده میخواند جامعه از خواب بیدار نشود .

و برای روشن شدن موضع به یک نمونه از این برخورد ها توجه ای تان جلب می نمایم

در یکی از تار نما ها بعد از فوت قسیم اخگر نوشته ای نشر شده بود که بعد تر مسؤل تارنما آن را در صفحه چهره نما خود گذاشته بود که یکی حکایتی راجع به آن نوشته بود که آنرا حذف نموده بودند و بعدتر آن را دوباره گذاشته بود و در یک توضیح دیگر در زیر نوشته بود که چرا سانسور می کنید؟ همان مقاله را کسی دیگر آن را در صفحه خود گذاشته بود و نظر به مهم بودن موضوع

روشنگرانه و مصاحبه مهم آن را در آن وقت نشر نکرده بلکه بعد از درگذشت شخص به نشر رسانده بود. پرسیده شد که چرا آن را همان زمان به نشر نرساندید؟ که آن شخص احساساتی شده بعد از رد چند مکالمه به حملات شخص و اتهام پرداخته و گرچه طرف مقابل از خویشتن داری کار گرفته ولی آن شخص در اخیر نوشت .

(آقای و با سوالهای بی منطق و میان خالی تان تنها و تنها قصد آزار دارید و از این عمل طفلانه ی تان لذت می برید. دوم اینکه فکر نکنید که شما را نمی شناسم، با نام اصلی تان خود را یکی از دوستان پر و پا قرص من جا زده اید و خیلی هم با هم صحبت می کنیم. سوم اینکه چون اینگونه برخورد های تان خیلی مسخره، بی محتوی و نشان دهنده ی روان مریض تان است و برای من قابل ترحم هستید تا الحال برای تان نگفتم که با همه نام و نشانی که با نام اصلی تان دارید، خیلی حسود، پر عقده و سرا پا دروغید. حالا برای تان می گویم و از لیست دوستانم نیز بیرون تان می کنم .)

نکته مهم دیگر در آن است که شخص حذف کننده خود در حدود دو دهه و یا زیاد تر در جامعه نسبتن دموکرات و مرفع تحصیل در سطح دانشگاه، کار و زندگی نموده. چنین معلوم می شود زیاد تر ما نظر به استبداد سخت جان چیزی نمی آموزیم. هشتاد و چند سال قبل نادر هم قبل از رسیدن به قدرت هم چند سالی در غرب زندگی نمود. که چیزی نیاموخت. و این چنین اشخاص در سه نسل بعد و آنهمه سرگذشت تاریخ متأسفانه چیزی نیاموخته اند. و اگر آن قدرت بدست شان برسد به احتمال زیاد همان طور عمل خواهند کرد.